



A Critical Review of the Approach of Regional and International Documents and Regulations in the Field of Denying Examples of Violence against Refugee Women

Ibrahim Esfahani¹, Farhang Faghih Larijani^{2*}, Maryam Afshari³

1. Department of Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran.
3. Department of Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Violence against women and especially violence against refugee women, due to historical and cultural reasons, has been reflected in different societies in the past and various reactions have been shown to it since long ago.

Method: This research has been prepared and organized in a descriptive and analytical manner, rather than the approach of regional and international documents and regulations, it has dealt with the examples of violence against refugee women and their examples and situation in the host countries.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality and originality of the work have been observed.

Results: The findings of the research show that the set of regional and international documents and regulations that have paid attention and focus on the rights of women and refugee women have different and well-known examples of violence against women in different areas, including physical, sexual and verbal violence. has criminalized and imposed criminal punishments for them by adopting a legislative response, also the developments of international documents and regulations in recent decades as well as the attempt to establish specific laws in the field of refugee women and the denial of violence against them are among the new international measures that are compared to the previous decades and the normality of violence against women and the lack of serious legislative support in this area are considered a step forward.

Conclusion: Examining the examples of violence against refugee women, as a result, shows that despite the establishment and approval of numerous regional and international laws, what is happening in the field of practice and implementation regarding the discrimination and violation of the rights of refugee women and violence against them in the destination countries the goals of these documents and regulations are not very consistent, which has made it necessary to review international regulations and establish strict implementation guarantees for host countries in the field of dealing with refugee women.

Keywords: Women's Rights; Refugee Women; Violence; Violence against Women; International Documents and Regulations

Corresponding Author: Farhang Faghih Larijani; **Email:** Farhanglaw@yahoo.com

Received: December 20, 2023; **Accepted:** April 04, 2024; **Published Online:** July 04, 2024

Please cite this article as:

Esfahani I, Faghih Larijani F, Afshari M. A Critical Review of the Approach of Regional and International Documents and Regulations in the Field of Denying Examples of Violence against Refugee Women. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e60.



بررسی انتقادی رویکرد اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه نفی مصادیق خشونت علیه زنان پناهجو

ابراهیم اصفهانی^۱، فرهنگ فقیه لاریجانی^{۲*}، مریم افشاری^۳

۱. گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: خشونت علیه زنان و مخصوصاً خشونت علیه زنان پناهجو، بنا به دلایل تاریخی و فرهنگی در جوامع مختلف از گذشته بازتاب و نمود داشته است و نسبت به آن نیز از همان دیرباز، واکنش‌های مختلفی نشان داده شده است.

روش: این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی تهیه و تنظیم شده است، بیشتر از رویکرد اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی به مصادیق خشونت علیه زنان پناهجو و مصادیق و وضعیت آن‌ها در کشورهای میزبان پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی که توجه و تمرکز بر روی حقوق زنان و زنان پناهجو داشته‌اند، مصادیق مختلف و شناخته‌شده‌ای از خشونت علیه زنان در حوزه‌های مختلف اعم از خشونت فیزیکی، جنسی و کلامی را جرم‌انگاری کرده و با اتخاذ واکنش تقنینی، برای آن‌ها مجازات‌های کیفری وضع کرده است. همچنین تحولات اسناد و مقررات بین‌المللی در دهه‌های اخیر و همینطور تلاش برای وضع قوانین اختصاصی در حوزه زنان پناهجو و نفی خشونت علیه آن‌ها از اقدامات جدید بین‌المللی برشمرده می‌شود که نسبت به دهه‌های پیشین و عادی بودن خشونت علیه زنان و عدم حمایت جدی تقنینی در این حوزه، گامی رو به جلو محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری: بررسی مصادیق خشونت علیه زنان پناهجو، نتیجتاً نشانگر این است که علیرغم وضع و تصویب قوانین متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی، آنچه که در عرصه عمل و اجرا در خصوص تبعیض و نقض حقوق زنان پناهجو و خشونت علیه آن‌ها در کشورهای مقصد روی می‌دهد، با اهداف این اسناد و مقررات چندان سازگار نیست، امری که بازبینی مقررات بین‌المللی و وضع ضمانت‌اجراهای دقیق برای کشورهای میزبان را در حوزه برخورد با زنان پناهجو ضروری ساخته است.

واژگان کلیدی: حقوق زنان؛ زنان پناهجو؛ خشونت؛ خشونت علیه زنان؛ اسناد و مقررات بین‌المللی

نویسنده مسئول: فرهنگ فقیه لاریجانی؛ پست الکترونیک: Farhanglaw@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Esfahani I, Faghih Larijani F, Afshari M. A Critical Review of the Approach of Regional and International Documents and Regulations in the Field of Denying Examples of Violence against Refugee Women. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e60.

مقدمه

زنان نیمی از جمعیت تشکیل‌دهنده جهان امروز هستند و به تبع این حضور فیزیکی برابر با مردان، در قبال ایفای تکالیف مورد درخواست حاکمیت و خانواده، خود را مستحق استیفاء و بهره‌بردن از حقوق شهروندی برابر نیز می‌دانند، زیرا که امروزه زنان کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌یافته مدرن، در پیشرفت کشورها نقش مستقیم بازی کرده و دیگر نمی‌توان به راحتی تأثیر آنان در جهش‌های علمی، صنعتی، اقتصادی یا سیاسی کشورها را منکر شد. ذیل توجه به حقوق زنان، بررسی حقوق زنان پناهجو و جلوگیری از خشونت و تبعیض علیه آنان به واسطه افزایش آمار زنان پناهجو، امروزه بیش از پیش قابل توجه است. اصولاً حقوق و قوانین یک جامعه وظیفه دارد از زنان پناهجو در قبال خشونت و مصادیق مختلف آن حمایت کرده و راهکارهایی برای حمایت و صیانت از حقوق آن‌ها ارائه کند. به طور کلی به دلیل بی‌تفاوتی‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که در طول سال‌های متمادی و حتی در جهان معاصر نسبت به حقوق زنان پناهجو صورت گرفته است، امروزه تحقق این حقوق همواره در تمامی جوامع مورد توجه واقع شده و با تلاش‌های بی‌شمار اقداماتی مفید در راستای تحقق این مهم صورت گرفته است، از جمله این تلاش‌ها، وضع کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره حقوق زنان پناهجو است.

مسأله و چالش این پژوهش بررسی رویکرد و واکنش اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص انواع مصادیق خشونت علیه زنان پناهجو خواهد بود. وضع قوانین و مقررات در این خصوص می‌تواند راهگشا بوده و وضع ضمانت اجرایی دقیق در آن می‌تواند از بروز خشونت علیه زنان بکاهد، همینطور تغییر قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز علیه زنان و یا پیوستن بیشتر کشورها به کنوانسیون‌های جهانی و به طور کلی توجه به حقوق زنان می‌تواند در این خصوص تأثیر به‌سزایی داشته باشد. با توجه به وضعیت مذکور این پژوهش دارای دو بخش عمده است، در بخش اول رویکرد برخی از مهم‌ترین قوانین و مقررات و اسناد منطقه‌ای در خصوص حقوق زنان پناهجو مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش دوم

به مصادیق خشونت علیه زنان پناهجو پرداخته خواهد شد که مؤید این است که قوانین و مقررات موجود نتوانسته‌اند آنطور که باید و شاید از زنان پناهجو در کشورهای مقصد حمایت کند و متأسفانه امروزه علیرغم قوانین متعدد در این حوزه خشونت در مصادیق مختلفی علیه زنان پناهجو اعمال می‌شود که تغییر رویکرد قوانین بین‌المللی را با توجه به ناکامی نسبی تاکنون، ضروری می‌سازد.

روش

این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی تهیه و تنظیم شده است، بیشتر از رویکرد اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی به مصادیق خشونت علیه زنان پناهجو و مصادیق و وضعیت آن‌ها در کشورهای میزبان پرداخته است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی که توجه و تمرکز بر روی حقوق زنان و زنان پناهجو داشته‌اند، مصادیق مختلف و شناخته‌شده‌ای از خشونت علیه زنان در حوزه‌های مختلف اعم از خشونت فیزیکی، جنسی و کلامی را جرم‌انگاری کرده و با اتخاذ واکنش تقنینی، برای آن‌ها مجازات‌های کیفری وضع کرده است. همچنین تحولات اسناد و مقررات بین‌المللی در دهه‌های اخیر و همینطور تلاش برای وضع قوانین اختصاصی در حوزه زنان پناهجو و نفی خشونت علیه آن‌ها از اقدامات جدید بین‌المللی برشمرده می‌شود که نسبت به دهه‌های پیشین و عادی بودن خشونت علیه زنان و عدم حمایت جدی تقنینی در این حوزه، گامی رو به جلو محسوب می‌شود.

بحث

۱. رویکرد اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه خشونت علیه زنان پناهجو: در این قسمت به تبیین و بررسی چند مورد از مهم‌ترین اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به حقوق زنان و حقوق زنان پناهجو اشاره

در آنجا اقامت دارد، ولی چنانچه فاقد محل اقامت باشد، تابع قوانین کشور محل سکونت او خواهد بود) و در بند ۲ آن (حقوقی که پناهنده قبلاً کسب کرده و مربوط به احوال شخصیه او است، به ویژه در ارتباط با ازدواج توسط پناهنده) اشاره شده است.

همچنین مواد ۱۳ تا ۲۳ هم جزء مهم‌ترین مواد تلقی می‌شوند که در هر کدام این‌گونه اشاره شده است که در ماده ۱۳ حق برخورداری از رفتار مساعد و متعارف در خصوص تحصیل اموال منقول و غیر منقول توسط پناهنده و ماده ۱۴ حق حمایت برابر از پناهنده مطابق حقوق اتباع آن کشور در خصوص مالکیت معنوی اشاره کرده است. همچنین ماده ۱۵ اشاره به حق رفتار مساعد در خصوص عضویت پناهنده در جمعیت‌های غیر سیاسی و غیر انتفاعی و سندیکاهای حرفه‌ای دارد.

ماده ۱۶ اشاره به حق مراجعه پناهندگان به دادگاه‌ها و بهره‌مندی آنان از معاضدت قضایی و ماده ۱۷ به حق برخورداری از مطلوب‌ترین رفتار با پناهندگان در خصوص حق اشتغال و دریافت دستمزد اشاره دارد. حق برخورداری از رفتار مساعد با پناهندگان درباره اشتغال آنان به مشاغل آنان به مشاغل آزاد در ماده ۱۸ و حرفه‌ای‌های آزاد علمی در ماده ۱۹ به آن اشاره و در مواد ۲۰ تا ۲۳ به حق برخورداری از رفاه و آسایش، مسکن، آموزش‌های عمومی، امور خیریه، سیستم جیره‌بندی و... متناسب با وضعیت اتباع دولت‌های متعاقد اشاره شده است.

۱-۲. کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

۱۹۷۹: مشاهده تبعیض آشکار و ناروا بر مبنای جنسیت و پایمال شدن شخصیت و حیثیت نیمی از مردم جهان به صرف زن بودن و نادیده‌انگاشتن حقوق فطری آنان باعث گردید که توجه جهانیان به این نکته جلب شود و در نتیجه اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زن به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، مضافاً به اینکه سال ۱۹۷۵ سال بین‌المللی زن نامیده شد، با این هدف که تمام کشورها برای شناساندن ارزش و اهمیت زن و نقش خانوادگی و اجتماعی زنان در

خواهیم کرد تا روشن شود که ابعاد تقنینی حمایت از زنان پناهجو به چه ترتیبی است و آیا صرف این مقررات توانسته است در عرصه اجرا و عمل در کشورهای مقصد مانع خشونت علیه زنان پناهجو و نقض حقوق آنان شود.

۱-۱. کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱:

کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان سازمان ملل متحد، کنوانسیون است که تعریف می‌کند پناهنده چه کسی است و حقوق افراد پناهنده و مسئولیت کشورهای عضو را نسبت به پناهجویان مشخص می‌کند. طبق این کنوانسیون تمامی افراد از حق پناهندگی برخوردار نیستند، مثل جنایتکاران جنگی یا افراد نقض‌کننده حقوق بشر که از این حق محروم هستند. این کنوانسیون در جلسه ویژه سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ به تصویب رسید و در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۵۴ به اجرا درآمد. این کنوانسیون در ابتدا به پناهندگان اروپایی پس از جنگ جهانی دوم محدود می‌شد که با به تصویب رسیدن معاهده ۱۹۶۷ محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی آن برداشته شد و محدوده فعالیت‌های کنوانسیون توسعه یافت، دانمارک اولین کشوری بود که این معاهده را در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۵۲ به تصویب رساند. مطابق این کنوانسیون شخص پناهنده کسی است که در کشور خود یا مبدأ به یکی از دلایل زیر مورد آزار و اذیت جدی قرار گرفته است: ۱- نژاد (انسان)؛ ۲- مذهب؛ ۳- ملیت؛ ۴- گرایش جنسی؛ ۵- تعلق به یک گروه اجتماعی معین؛ ۶- عقاید سیاسی.

کشور ایران نیز به موجب ماده واحده قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن^۱ در سال ۱۳۵۴ شمسی به این کنوانسیون پیوسته است. بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مهم‌ترین حقوق پناهندگان در مواد مختلف آماده است که در ماده ۱ به (اصل عدم تبعیض، یعنی دولت‌های متعاقد مقررات این کنوانسیون را بدون هرگونه تبعیضی از نظر نژاد یا مذهب یا سرزمین درباره وی اجرا کنند) اشاره شده و در ماده ۴ به (آزادی پناهنده در امور دینی باید مشابه اتباع آن کشور محترم شمرده شود) اشاره شده است. همچنین در بند ۱ ماده ۱۲ به (احوال شخصیه پناهنده تابع قوانین کشوری است که

پیشبرد هدف‌های اقتصادی و اجتماعی، کوشش همه‌جانبه‌ای را آغاز کنند و به مدت یک سال توجه و افکار جهانیان را به این حقیقت معطوف دارند که پیشرفت هر جامعه‌ای با مشارکت زنان در زندگی اقتصادی و اجتماعی ملازمه دارد. کنوانسیون جهانی رفع تبعیض از زن، شامل یک مقدمه و یازده ماده است. در قسمتی از مقدمه آن چنین آمده است: «ملاحظه می‌شود که علیرغم منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر مصوبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته و همچنین علیرغم پیشرفت‌های حاصله در زمینه تساوی حقوق معهدا هنوز تبعیضات قابل توجهی علیه زنان همچنان وجود دارد. با در نظر گرفتن این امر که تبعیض علیه زن با شأن و مقام افراد بشر و همچنین با رفاه خانواده و جامعه ناسازگار بوده و از شرکت آنان به طور مساوی با مردان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای خود جلوگیری می‌نماید و مانع بزرگی برای شکفته شدن کامل استعدادهای نهانی زنان در زمینه خدمت به کشورهای خود و همچنین بشریت به شمار می‌رود...»

اعلامیه مذکور در کلیه زمینه‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، شغلی، خانوادگی و... برای زنان حقوقی مساوی با مردان شناخته است. نگاهی به گذرا به این اعلامیه و اعلامیه‌هایی که ابتدای تأسیس جامعه ملل برای حمایت از زن در قبال برده‌گی و خرید و فروش آنان صادر شده بود، نشان‌دهنده تعالی و تغییر سطح تفکر جهانی نسبت به زنان و حقوق آنان است، نشان‌دهنده تعالی و تغییر سطح تفکر جهانی نسبت به زنان و حقوق آنان است، در حالی که متفکرین و حقوقدانان جهان در سال ۱۹۰۴ نگران خرید و فروش زنان سفید بودند، در سال ۱۹۷۵ از تبعیضاتی که در بعضی از مسائل و در برخی از ممالک جهان بر زنان می‌رفت، گله‌مند بودند (۱).

در دهه اول قرن بیستم کسی بر این اعتقاد نبود که زنان می‌توانند هم‌پای مردان در اجتماع فعالیت داشته و از حقوقی برابر با مردان برخوردار گردند، در آن هنگام فقط خرید و فروش زنان و اجیرکردن آن‌ها برای خودفروشی، وجدان انسانی را آزار می‌داد و امروزه عدم تساوی حقوق زن و مرد در امر طلاق و جدایی، سرپرستی فرزندان، آزادی سفر به خارج از

کشور ... مورد بحث و گفتگو است. از آنجایی که نابرابری حقوق زن و مرد، ریشه در عرف و عادات هر جامعه دارد. بنابراین اولین قدم در راه تساوی حقوق زن، آماده‌سازی افکار عمومی و ریشه‌کن کردن عرف و عادات و رسومی است که موجب تحقیر زن می‌شود. ماده سوم اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زن چنین مقرر می‌دارد: «کلیه اقدامات و تدابیر لازم جهت پرورش افکار جهانی و سوق دادن آمال از طریق ریشه‌کن کردن تبعیضات و امحای عرف و عادت و کلیه رسومی که موجب تحقیر زن می‌شود بایستی اتخاذ گردد.» ماده یازدهم اعلامیه مذکور که کشورهای جهان را به کوشش در جهت تحقق اصل تساوی حقوق زن و مرد فرامی‌خواند چنین مقرر داشته است: «تحقق اصل تساوی حقوق زن و مرد، اجرای کامل آن را در کلیه کشورها با توجه به اصول منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر ایجاب می‌نماید، بدین منظور به کلیه دولت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و افراد تأکید می‌شود با تمام نیرو و امکاناتی که در دسترس دارند، در تحقق بخشیدن به اصول مندرج در این اعلامیه کوشا باشند.»

این کنوانسیون مهم‌ترین معاهده ملل متحد در مورد تبعیض جنسیتی است، مطابق ماده ۱ این کنوانسیون تبعیض جنسیتی را این‌گونه تعریف می‌کند: «از نظر این کنوانسیون، عبارت: «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آن‌ها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعیت تأهل آن‌ها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است.»

۱-۳. کنفرانس پکن ۱۹۹۵: در ماده ۱۳۱ سند پکن «ایجاد مهاجرت توده‌وار پناهندگان و آوارگان، رویه‌های شنیع به حساب آمده که قویاً محکوم می‌شوند و باید بی‌درنگ متوقف گردند و مرتکبین این جنایات باید به کیفر برسند» در ماده ۱۳۶ سند پکن عنوان شده است: «زنان و کودکان حدود ۸۰ درصد از میلیون‌ها پناهنده و آواره دیگر، از جمله آوارگان

مطابق با این سند همه حقوق بشر، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به علاوه حق توسعه جهانی، تفکیک‌ناپذیر، به هم پیوسته و مرتبط هستند، چنانچه در برنامه عمل و اعلامیه کنفرانس جهانی وین ۱۹۹۳ اعلام گردید. همچنین حقوق بشر زنان و دختران بخشی غیر قابل انکار، مکمل و جدایی‌ناپذیر از حقوق جهانی بشر است و بهره‌مندی کامل و برابر زنان و دختران از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اولویت دولت‌ها و ملل متحد بوده و برای پیشرفت زنان ضروری و حیاتی است. حقوق برابر زنان و مردان صراحتاً در مقدمه منشور ملل متحد اشاره شده است. در همه اسناد حقوق بشری مهم «جنس» از جمله دلایلی است که دولت‌ها نباید بر اساس آن اعمال تبعیض داشته باشند.

اشکال مهمی که بر این سند وارد است، افراط‌گری‌های زیادی است که در برخی زمینه‌ها به عمل آمده است. به عقیده برخی صاحب‌نظران، در کنفرانس پکن به خوبی مشهود بود که فعالین تنقیح و تنظیم سند ۲ دسته بودند، یک دسته کسانی که واقعاً قصد داشتند تبعیضات ناروا را بردارند، راه استثمار و سوءاستفاده از زن را ببندند، دیدگاه‌های منفی نسبت به جنس زن را تغییر دهند و امکانات مساوی، حقوق مساوی و تحمل مسئولیت مساوی را برای زنان فراهم نمایند.

دسته دیگر فمینیست‌های افراطی و تنوع‌طلبان بی‌توجه به خانواده و ارزش‌های اخلاقی بودند که تمام هم‌شان تأمین آزادی مطلق زنان فارغ از هرگونه ملاحظات اخلاقی و اجتماعی بود، و از این رو عبارات و مفاهیم جدیدی همچون «حقوق جنسی» و «جهت‌گیری جنسی» را وارد سند کرده و اصرار داشتند این حقوق جزء حقوق بشر شناخته‌شده برای زن محسوب و به رسمیت شناخته شود. در بیان اقدام هماهنگ برای یکسان‌سازی فرهنگی جهانیان در زمینه مسائل زنان باید یادآور شد، در نشست جهانی زنان در سال ۲۰۰۰ با ارائه عملکرد کشورهای مختلف در زمینه عملی‌نمودن سند پکن در کشور خویش، اعلام شد که از سال ۱۹۹۵ تاکنون، سه‌چهارم تمامی کشورها، نوعی از نظام ملی را برای توسعه و پیشرفت زنان بر اساس سند پکن پایه‌گذاری کرده‌اند. باید خاطرنشان

داخلی را تشکیل می‌دهند. این افراد را محرومیت از اموال، کالاها، خدمات و محرومیت از بازگشت به میهن و نیز خشونت و عدم امنیت تهدید می‌کند.» در ماده ۱۴۷ سند پکن عنوان می‌شود که: «برای تأمین حمایت و مساعدت زنان آواره داخلی، اقداماتی باید اتخاذ گردد، از جمله آنکه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و دیگر سازمان‌هایی که در تأمین حمایت، مساعدت و پرورش زنان پناهنده، زنان آواره نیازمند حمایت بین‌المللی و زنان آواره داخلی دخیل‌اند، مانند دفتر کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان، حمایت و مساعدت کافی به زنان و کودکان آواره داخلی ارائه نمایند و راه‌حلهایی برای علل ریشه‌یابی آوارگی آن‌ها به منظور جلوگیری از آن بیابند.»

جهت اجرای این بند از سند پکن، آمریکا و چند کشور اروپایی چون کانادا و فرانسه، انگلیس و آلمان اعلام کرده‌اند به افرادی که تحت اذیت و آزار جنسیتی، از جمله ختنه، ازدواج اجباری، سقط جنین اجباری، قتل به خاطر شرافت و خشونت‌های خانوادگی هستند موقعیت پناهندگی عطا می‌کنند.»

بخش پیشرفت زنان ملل متحد (DAW) در ارزیابی خود نسبت به کنفرانس پکن اظهار داشت: «تحول اساسی که در کنفرانس پکن روی داد، شناسایی ضرورت تغییر تمرکز از زنان روی مفهوم جنسیت بود که بنا بر آن ساختار کلی جامعه و همه روابط میان زنان و مردان باید مجدداً ارزیابی گردد. تنها در صورت تحول اساسی در ساختار جامعه و نهادها و موسسات آن، زنان می‌توانند به طور کامل از تمام حقوقشان به عنوان افراد مساوی با مردان در تمام جنبه‌های زندگی بهره‌مند گردند. این تحول تأیید مجدد این بود که حقوق زنان، حقوق بشر است و تساوی جنسیتی به عنوان یک ملاحظه جهانی است که همه از آن منتفع می‌گردند.»

برنامه عمل کنفرانس پکن اقدام جدی همه دولت‌ها برای اجرای تعهد خود مبنی بر ارتقای احترام، رعایت و حمایت جهانی از همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نسبت به همه افراد انسانی مطابق با منشور ملل متحد و دیگر اسناد مرتبط با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل را مورد تأکید قرار می‌دهد.

کرد در همین راستا روزنامه واشنگتن پست اعلام نمود: «زنانی که در کشورهای دیگر مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشند، می‌توانند با عنوان جدید از اداره مهاجرت آمریکا تقاضای پناهندگی کنند» (۲).

در قسمت «ب» از بند ۱۱۳ برنامه عمل و اعلامیه پکن، خرید و فروش زنان و روسپی‌گری اجباری نوعی خشونت علیه زنان قلمداد شده است. در بند ۱۲۳ همین سند جلوگیری از داد و ستد زنان و دختران در تجارت بین‌المللی سکس به عنوان نگرانی عمده بین‌المللی قید و تأکید شده، شبکه بین‌المللی فحشا و خرید و فروش زنان یک کانون عمده جنایت سازمان یافته بین‌المللی است (۳).

۱-۴. رویکرد اعلامیه حقوق بشر اسلامی در مورد

پناهندگی ۱۹۹۰: بر اساس ماده ۱۲ این اعلامیه، هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن، می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناه‌دهنده واجب است که با او مدارا کند تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود، با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.^۲

۱-۵. اسناد و مقررات اروپایی مربوط به حقوق

پناهجویان: بسیاری از مواد منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا^۳، مستقیماً در خصوص پناهندگان قابل اجرا هستند، از جمله حق بر پناهندگی و حمایت از افراد در مقابل استرداد و اخراج (مواد ۱۸ و ۱۹)، عدم تبعیض بر اساس نژاد، جنس و... (ماده ۲۱)، آزادی جا به جایی و اقامت، از جمله برای شهروندان دول ثالث که به صورت قانونی در اتحادیه اقامت دارند (ماده ۴۵)، حق برخورداری از محاکمه منصفانه و جبران خسارت (ماده ۴۷) (۴).

لزوم اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۶ معاهده اتحادیه اروپا پیش‌بینی شده است. بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، پناهندگان نه به عنوان مقیم قانونی (Lawfully Staying)، بلکه به عنوان حاضران قانونی (Lawfully Present) در نظر گرفته می‌شوند تا بتوانند از

بعضی حقوق مقرر در کنوانسیون بهره‌مند شوند. این حقوق شامل ممنوعیت شکنجه، مجازات و سایر رفتارهای تحقیرکننده (ماده ۳)^۴ حق بر جبران خسارت (ماده ۱۳)، ممنوعیت تبعیض، از جمله بر اساس نژاد، ملیت یا ریشه اجتماعی (ماده ۱۴) می‌شود. پروتکل شماره ۴ کنوانسیون در خصوص آزادی جا به جایی در قلمرو دولت‌های عضو و ممنوعیت اخراج دسته جمعی بیگانگان (ماده ۴) است و پروتکل شماره ۱۲ در خصوص ممنوعیت و محو کلیه اشکال تبعیض، از جمله بر اساس خاستگاه ملی یا اجتماعی یا تولد است. در مورد اخراج فرایند مناسب دادرسی شامل: ۱- آگاهی از وجود پرونده علیه فرد؛ ۲- فرصت ارائه اطلاعات و دلایل جهت نقض تصمیم؛ ۳- حق بر تجدید نظرخواهی علیه رأی دادگاه در مقابل یک هیأت مستقل و... می‌شود (۵).

در مورد پناهجویان معیارهای بند ۱ ماده ۶۳ معاهده جامعه اروپا شامل: ۱- مکانیزم مشخص کردن دولت مسئول بررسی درخواست‌های پناهندگی؛ ۲- استانداردهای حداقلی در پذیرش پناهجویان؛ ۳- معیارهای حداقلی برای تضمین یا لغو وضعیت پناهندگی در کشورهای عضو می‌شود (۶). اثر عمده تغییرات نظام سیاسی اتحادیه ناشی از معاهدات آمستردام، نیس و لیسبون بر سیاست پناهندگی اتحادیه شامل: ۱- تقویت نقش نهادهای اتحادیه در سیاست‌های پناهندگی آن در مقایسه با نهادهای بین دولتی تعیین شده در معاهده ماستریخت؛ ۲- افزایش چشم‌گیر اهمیت بازیگران قضایی در این سیاست می‌شود. معاهده آمستردام نقش پارلمان اروپا و نیز دیوان دادگستری اروپایی را در این خصوص افزایش داد و دو نقش: ۱- تفسیر مواد معاهدات مرتبط با پناهجویان؛ ۲- بررسی اعتبار عملکرد نهادهای جامعه بر مبنای آن معاهدات را بر عهده دیوان دادگستری اروپایی نهاد.

معاهده لیسبون به منزله اصلی‌ترین سند کنونی اتحادیه اروپایی، به اتحادیه این صلاحیت را می‌دهد که ابزار قانونی لازم را برای نظام مشترک حمایت موقت و رویه مشترک تضمین وضعیت پناهندگی قانونگذاری کند. ماده ۸۰ معاهده کارکرد اتحادیه اروپایی تأکید دارد که بررسی پناهندگی و مهاجرت در مرزها باید تحت حاکمیت اصول وحدت و نیز

توزیع منصفانه مسئولیت میان دولت‌های عضو باشد. اصلی‌ترین مستند قانونی برخورد اتحادیه اروپا با پناهندگان مقرر در دبلین ۲۰۱۳ در خصوص تعیین دولت مسئول بررسی درخواست پناهندگی است. هدف از این مقرره جلوگیری از درخواست پناهندگی در بیش از یک کشور و کاهش تعداد درخواست‌های پناهندگی است.

گرد هم آمدن اعضای یک خانواده (همسران و فرزندان زیر ۱۸ سال)، بیماران، زنان باردار، سالمندان و معلولان در کشوری که خانواده‌شان در آنجا زندگی می‌کنند و افراد بی‌سرپرست غیر بالغ و اعزام آن‌ها به کشوری که یکی از خویشاوندانی که قادر به سرپرستی این افراد باشند، در آن زندگی می‌کنند، از استثنائات مقرر در دبلین محسوب می‌شوند. در این زمینه شورا توجه دولت‌های اروپایی را به پاراگراف ۱۸۵ دستورالعمل کمیساریا در مورد آیین و موازین پناهندگی جلب کرد که مفهوم خانواده را به سایر خویشاوندان وابسته مانند والدینی که مسن هستند، گسترش داده است (۷).

مشکل نظام دبلین آن است که دولت‌های مرزی به دلایل مختلف شرایط نامناسبی دارند و احتمال رد تقاضای پناهندگی در آن‌ها زیاد است. از این رو پناهجویان به سایر کشورهای اروپایی جا به جا می‌شوند و این دولت‌ها به دلیل شرایط بد دولت‌های مخست از اجرای مقرر در دبلین در مورد آن‌ها خودداری می‌کنند که در نتیجه سبب معلق شدن این قانون می‌شود. مفاهیم مرتبط با این مقرر شامل نخستین کشور ورودی (مشخص کردن این کشور جهت رد تقاضای پناهندگی در کشور دیگر حائز اهمیت است)، کشور امن مبدأ جهت تسریع رد چنین تقاضایی و بازگرداندن آن‌ها به کشورشان، دولت امن ثالث به منظور انتقال بار مسئولیت به کشورهای ترانزیت یا کشورهای مسر عبور پناهجویان و قراردادهای پذیرش مجدد می‌شود. دستورالعمل سال ۲۰۱۳ اتحادیه اروپا در خصوص تضمین اعطا یا لغو وضعیت پناهندگی، از دولت‌های عضو می‌خواهد از امور زیر مطمئن شوند: ۱- دولت ثالث بخشی از کنوانسیون و پروتکل باشد و آن را رعایت کند؛ ۲- تحویل متقاضی به دولت ثالث همراه با احترام و حفظ

شخصیت وی باشد؛ ۳- در چارچوب ماده ۳۲ کنوانسیون وین، زندگی و آزادی وی در آن کشور در معرض تهدید قرار نگیرد؛ ۴- پناهجو در کشور ثالث تا زمانی که لازم است از تمام حمایت‌های مورد نیاز برخوردار باشد. تفاوت نظام و رویه‌های پناهندگی در کشورهای مختلف اروپایی سبب می‌شود تا پناهجویان در واقع با نوعی قمار در دستیابی به حمایت بین‌المللی مواجه باشند. از این رو اتحادیه کوشیده است برای مواجهه با این امر و نیز به دلایل پیش‌گفته به سمت تدارک نظام یکپارچه سیاست پناهندگی و مهاجرت گام بردارد. هدف از نظام مشترک پناهندگی اروپایی (European Common Asylum System) دستیابی به نظامی است که در تمام کشورهای اتحادیه به گونه مشابهی عمل کند تا تمام پناهندگان از حقوق مشابه برخوردار باشند (۸). این نظام از سه دستورالعمل و یک مقرر به شرح زیر تشکیل شده است:

۱- دستورالعمل شرایط پذیرش پناهنده ۲۰۱۳؛ ۲- دستورالعمل کیفی ۲۰۱۱؛ ۳- دستورالعمل رویه رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی ۲۰۱۳؛ ۴- مقرر دبلین ۲۰۱۳. این نظام مبتنی بر دو جنبه است، فرایند واحد بررسی تقاضای پناهندگی توسط دول عضو و هماهنگی معیارهای ملی پناهندگی به منظور جلوگیری از جابجایی پناهندگان درون مرزهای اتحادیه (۹). دولت‌های عضو موظفند پس از پذیرش تقاضای پناهندگی، اجازه اقامت، اسناد سفر، دسترسی به آموزش، شغل، رفاه اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی، اقامت و حق جا به جایی در درون مرزها و فراهم آوردن تسهیلات ادغام با جامعه را برای پناهندگان فراهم سازند. همان‌گونه که بیان شد، در صورت عدم استحقاق موقعیت پناهندگی، آوارگان می‌توانند مشمول حمایت موقت شوند، این حمایت در حالات مربوط به هجوم دسته جمعی آوارگان می‌تواند در صورت موافقت وزرای اتحادیه به پناهجویان یک منطقه جنگی اعطا شود. این حمایت شامل اجازه اقامت و کار، خدمات آموزشی، مراقبت‌های پزشکی و گردهمایی مجدد خانواده‌ها می‌شود.

سیاست اروپایی برون‌سپاری پدیده پناهندگی در سال ۱۹۹۲ توسط شورای وزیران ایجاد شد، رویکرد پذیرش مجدد در

اعضای خانواده زنان مهاجر با توجه به این حق و به منظور وحدت دوباره خانواده، در شرایطی امکان مهاجرت خواهند داشت. متأسفانه بیشتر اسناد بین‌المللی گردهمایی دوباره خانواده را یک حق همگانی برای زنان پناهجو نمی‌داند، اما بند ۳ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و برخی دیگر از معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای بیان می‌دارند که خانواده‌ها حق دارند مورد پشتیبانی دولت و جامعه کشور میزبان قرار گیرند و این حق نباید از زنان پناهجو سلب شود.

حق وحدت دوباره خانواده برای خانواده‌های مهاجران کاری، اهمیت زیادی دارد، بر اساس این حق، دولت میزبان باید به اعضای خانواده مهاجر کاری اجازه مهاجرت و زندگی همراه با وی را بدهد. ماده ۴۴ کنوانسیون پشتیبانی از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها، خانواده را یک گروه طبیعی و بنیادین جامعه می‌داند که حق دارد از سوی جامعه پشتیبانی شود و دولت باید اقدام‌های لازم را برای تضمین وحدت خانواده‌های مهاجران انجام دهد. در واقع کنوانسیون پشتیبانی از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آن‌ها نسبت به اسناد پیشین به شکل مناسب‌تری به حقوق اعضای خانواده مهاجران کاری پرداخته است. متأسفانه بیشتر دولت‌های مهاجرپذیر تعریف تنگ‌نظرانه و سخت‌گیرانه‌ای از اعضای خانواده مهاجران دارند. بند ۹ دستورالعمل شورای اروپا در زمینه حق یکی‌شدن خانواده مقرر می‌دارد: «یکی‌سازی خانواده باید بر اعضای خانواده هسته‌ای که شامل زن و شوهر و فرزندان غیر رشید می‌شود، قابل اعمال باشد.» ماده ۱۰ همین سند رشید را در صلاحیت دولت مهاجرپذیر می‌داند. تصمیم‌گیری در مورد سایر بستگان همچون فرزندان به محتوای هر دو سند این انتقاد وارد شده است که به اندازه کافی حقوق مهاجران را برای وحدت دوباره اعضای خانواده مورد شناسایی قرار نداده‌اند و از این بابت قابل نقد هستند.

۲-۲. اعمال خشونت از طریق نقض حق اشتغال زنان پناهجو: منظور از کار، آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که در سیستم حساب‌های ملی منظور می‌شود. این تعریف

قالب انعقاد موافقت‌نامه‌هایی با کشورهای ثالث غیر عضو اتحادیه سبب می‌شود که از یکسو مرزهای خارجی اتحادیه حراست شوند و از دیگرسو مسئولیت اقدامات ناقض حقوق بشر از اتحادیه سلب گردد (۱۰). مبنای قانونی مورد استناد اتحادیه در موضوع پذیرش مجدد بند ۳ ماده ۷۹ معاهده لیسبون است که مقرر می‌دارد اتحادیه می‌تواند موافقت‌نامه‌هایی را با کشورهای ثالث برای پذیرش مجدد اتباع خود یا اتباع کشورهای دیگری که شرایط ورود و اقامت در اروپا را ندارند، منعقد کند، بر اساس ماده ۳۸ دستورالعمل رویه دولت امن ثالث، شرایط اعمال این رویه شامل موارد زیر است: ۱- نبود خطر تعقیب و آسیب جدی؛ ۲- رعایت اصل عدم بازگشت؛ ۳- دسترسی به پناهندگی؛ ۴- نظارت بر اجرای الزامات حقوق بین‌الملل بشر. به موجب قرارداد اتحادیه اروپا با دولت ترکیه این فرایند باید شامل موارد زیر باشد: ۱- جمع‌آوری اطلاعات هویتی متقاضی پناهندگی؛ ۲- اطمینان از سوری بودن فرد و ثبت نام وی توسط مقامات ترکیه قبل از ۲۹ نوامبر ۲۰۱۵؛ ۳- ارزیابی دلایل برخورداری یا عدم برخورداری از حمایت بین‌المللی؛ ۴- ارزیابی ارتباط خانوادگی احتمالی در دولت متقاضی، تصمیم‌گیری نهایی باید به عهده دولت‌ها باشد و ظرف شش ماه باید در این خصوص نتیجه‌گیری شود.

۲. مصادیق خشونت علیه زنان پناهجو در کشورهای مقصد: در این قسمت به این موضوع مهم و قابل نقد خواهیم پرداخت که علیرغم وضع قوانین و مقررات موجود در حمایت و صیانت از زنان پناهجو و جلوگیری از خشونت و مصادیق مختلف نقض حقوق آن‌ها، امروزه در عرصه اجرا و عمل، زنان پناهجو با معضلات مختلفی در کشورهای مقصد رو به رو هستند که تحول در اسناد و مقررات را ضروری ساخته است، در ادامه به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

۲-۱. اعمال خشونت از طریق نقض حق داشتن خانواده زنان پناهجو: یکی از حقوق مدنی و سیاسی زنان پناهجو، حق داشتن خانواده و لزوم پشتیبانی و دفاع از این حق است. یکی از قواعد فرعی ناشی از این حق، حق وحدت و یا وحدت دوباره خانواده است که برای زنان مهاجر ارزش ویژه‌ای دارد.

این، برابری در شیوه برخورد تا اندازه زیادی در اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای وجود دارد و آزادی حرکت و کوچ برای استخدام یکی از هدف‌های اصلی چنین اتحادیه‌هایی است. شایان ذکر است که بیشتر اسناد بین‌المللی در این زمینه میان حق کارکردن و حق انجام فعالیت‌های اقتصادی تمایز قائل شده‌اند. برخلاف حق کار، حق انجام فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در برخی زمینه‌ها همچون بانکداری و... نیاز به مجوز دولت میزبان دارد (۱۲).

۲-۳. اعمال خشونت از طریق نقض مشارکت و فعالیت

سیاسی: مقررات مربوط به حق مشارکت سیاسی زنان مهاجر در کشور میزبان در سطح بین‌المللی محدود است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حقوقی همچون آزادی کوچیدن و نقل مکان و همچنین حقوق مربوط به مشارکت سیاسی را فقط به شهروندان و اشخاصی محدود می‌سازد که به شکل قانونی در یک دولت حضور دارند (مواد ۱۲ آزادی کوچیدن و ۲۵ مشارکت سیاسی) (۱۳). مفهوم این مواد، سلب حقوق سیاسی و مدنی از بیگانگان نیست، بلکه بیانگر آن است که دولت‌های عضو میثاق، بر سر دادن این حقوق به مهاجران به توافق دست نیافته‌اند.

از سوی دیگر، بررسی دقیق مقررات مربوط به حقوق سیاسی و مدنی در کنوانسیون‌های منطقه‌ای کار دشواری است. پروتکل شماره ۱۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، مفهوم گسترده‌ای از اصل عدم تبعیض اتخاذ کرده است، در حالی که ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی یک نمونه نادر از تبعیض رسمی و مجاز علیه مهاجران به شمار می‌رود و دولت‌های عضو را قادر می‌سازد با محدود کردن فعالیت سیاسی بیگانگان، آزادی بیان، اجتماع و تجمع آنان را مشروط سازند. فعالیت سیاسی مورد نظر می‌تواند مربوط به دولت مهاجرپرست یا دولت میزبان باشد. با این همه تفسیر تنگ نظرانه‌ای از ماده ۱۶ شده است (۱۴)، اگرچه ماده ۱۶ اجازه اعمال محدودیت‌هایی را بر فعالیت‌های سیاسی مهاجران قانونی و غیر قانونی از جمله زنان می‌دهد، اما حتی بدون توجه به حقوق مربوط به آزادی تجمع، اجتماع و بیان و ممنوعیت

منطبق با تعریف بین‌المللی اشتغال است که در سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی آمارهای کار ارائه شده است. فعالیت‌ها نیز شامل همه تولیدات بازار و انواع معین از محصولات است که در قبال آنها، وجهی پرداخت نمی‌شود (۱۱).

ماده ۱۷ کنوانسیون ژنو مقرر داشته است: «۱- دولت‌های عضو کنوانسیون متعهدند در مورد پناهندگانی که در خاکشان اقامت قانونی دارند، مناسب‌ترین رفتار را در هر صورت با سایر خارجی‌ان در شرایط مشابه کمتر نخواهد بود، داشته باشند؛ ۲- در هر حال مقررات محدودکننده‌ای که درباره بیگانگان یا استخدام بیگانگان به منظور حمایت از بازار داخلی کار وضع می‌گردد، درباره پناهنده‌ای که در تاریخ اجرای این کنوانسیون در سرزمین دولت متعهد مذکور از مقررات مورد بحث معاف بوده یا واجد یکی از شرایط زیر باشد، اجرا نخواهد شد:

۱- مدت سه سال در کشور سابقه سکونت دارد؛ ۲- همسری دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت او است. پناهنده‌ای که با همسرش متارکه کرده، نمی‌تواند به مقررات این بند استناد کند؛ ۳- فرزند یا فرزندی دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت و می‌باشند.

۳- دول متعهد با نظر مساعد کوشش خواهند کرد که حقوق مربوط به استخدام پناهندگان خصوصاً پناهندگانی را که به موجب برنامه‌های مربوط به استخدام کارگر یا برنامه‌های مهاجرتی وارد سرزمین آن‌ها شده‌اند، با حقوق اتباع خود در این مورد مشابه و یکسان نمایند.^۵»

اصولاً برابری شرایط و شیوه استخدام نیروی کار، شامل مهاجران غیر مجاز، هنجاری است که کمترین میزان مجادله نظری در مورد آن وجود دارد، گرچه در عمل بسیاری از کارفرمایان به این منظور مهاجران غیر مجاز را استخدام می‌کنند که به آن‌ها دستمزد و شرایط کاری زیر استاندارد ارائه دهند. اصولاً دستیابی به کار رابطه نزدیکی با کنترل مهاجرت دارد و اشتغال برخی از مهاجران قانونی به شغل‌ها یا بخش‌های اقتصادی ویژه‌ای محدود می‌شود، در حالی که دیگر مهاجران برای نمونه زنان پناهجو یا اعضای خانواده کارگران مهاجر، ممکن است با موانع مهمی رو به رو شوند. با وجود

تعریف مشخص و جامع و مانعی از آن بیان نشده و تنها به ذکر عناصر و تضمین‌های آن بسنده شده است. منصفانه بودن دادرسی یک عنوان ابهام‌آمیز است، این ابهام به دلیل وجود دو دیدگاه متضاد نسبت به اهداف و مبانی این دادرسی ایجاد می‌شود. از یک دیدگاه دادرسی منصفانه به طور صرف به حفظ توازن میان مصالح دولت و متهم می‌پردازد. قاعده تساوی سلاح‌ها برخاسته از این دیدگاه است، در حالی که دیدگاه دیگر بر این اعتقاد است که باید منافع بزه‌دیده نیز مورد توجه قرار گیرد (۱۷).

اصولاً حقوق مربوط به آیین دادرسی، به ویژه در مورد اخراج و روش دسترسی به مأموران کنسولی برای زنان پناهجو نیز بیشتر در چارچوب حقوق مدنی و سیاسی قابل طرح است. مخالفت با حضور زنان مهاجر در کشور میزبان ممکن است منجر به اخراج جمعی زنان مهاجر اعم از مجاز یا غیر مجاز شود. هنجارهای حقوق بشری در ارتباط با شیوه اخراج زنان مهاجر بیشتر مربوط به آیین دادرسی است. برای نمونه ماده ۱۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی. بر اساس این هنجارها، اخراج باید توسط یک مقام صالح و قانونی باشد و زنان باید اجازه ارائه دلایل برای اخراج‌نشدن خود را داشته باشند. دیوان اروپایی حقوق بشر مقرر کرده است هنگام اخراج مهاجران غیر مجاز بر اساس ماده ۴ پروتکل شماره ۴^۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، انصاف مربوط به نحوه رسیدگی رعایت شود. ماده ۱ پروتکل شماره ۷ نیز پشتیبانی‌های شکلی بیشتری را برای مهاجرانی مقرر می‌دارد که به شکل قانونی اقامت دارند. گزارشگر ویژه کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز حقوق آیین رسیدگی را در مورد اخراج بررسی کرده است، هرچند اخراج بیگانگانی که اتباع دشمن هستند، رویه‌ای مرسوم بوده است، اما هنجارهای جدید ممکن است شرایط شکلی خاصی را بر این‌گونه موارد تحمیل کند (۱۸)، حق اعتراض به اخراج، برای حق پناهجویی و حقوق بشر که بازگرداندن پناهجو را منع می‌کند. همچنین برای انصاف بنیادین، اهمیتی اساسی دارد. مهاجرت غیر مجاز، خود امری حقوقی و در مواردی کیفری است، تلاش‌های بین‌المللی فزاینده‌ای برای مبارزه با قاچاق مهاجران مخصوصاً

تبعیض، باز هم به نظر می‌رسد جز در موارد استثنایی محدودیت‌هایی که منجر به ممنوعیت کامل چنین فعالیت‌هایی از سوی زنان شوند، از طرف دادگاه اروپایی قابل قبول باشد (۱۵)، البته تبعیض میان اتباع و بیگانگان در ارتباط با حقوق سیاسی تا اندازه زیادی مورد پذیرش معاهدات بین‌المللی است. مفاهیم موجود در منشور آفریقایی در ارتباط با همبستگی و روابط دوستانه میان دولت‌ها نیز زمینه‌ساز مقرراتی است که اجازه محدودیت‌هایی بر فعالیت سیاسی مهاجران را می‌دهد.^۶

به نمونه‌هایی از محدودیت بیگانگان و مهاجران دائمی در مشارکت سیاسی در زیر اشاره می‌شود: حکومت تانزانیا به دنبال انتخابات اکتبر ۲۰۰۰ نگران از نفوذ خارجی‌ان در پست‌های مهم راهبردی در ارتش و پست‌های سیاسی، مبارزه محتاطانه‌ای را برای تعیین هویت غیر تانزانیایی‌ها و اخراج آنان آغاز کرد. حکومت کره، گروه‌های حقوق بشر، انجمن‌های کره‌ای‌های مقیم و دیگران نگرانی خود را از این امر ابراز داشته‌اند که به کره‌ای‌هایی که در ژاپن اقامت دائمی دارند، حق رأی حتی در انتخابات محلی داده نشده است. ژاپن پاسخ داده است که مجوز اقامت دائمی در این کشور، پابرجاتر از مجوز اقامت دائمی است که کره به برخی اتباع چینی داده است. برای نمونه به دلیل محدودیت فعالیت‌های تجاری در گذشته، بسیاری از مقیمان دائمی چینی در کره مجبور به ترک این کشور شدند.

۲-۴. اعمال خشونت از طریق نقض حق دادرسی عادلانه

و منصفانه زنان پناهجو: دادرسی منصفانه عبارت است از دادرسی منطبق بر تشریفات قانونی به وسیله یک دادگاه عدل و بی‌طرف که حقوق اساسی و قانونی متهم در آن محترم شمرده شود. منصفانه بودن دادرسی قطعاً دربردارنده مفهوم انصاف در بطن خود است، در حقوق فرانسه، انصاف به معنای اعطای سهم مساوی به هر شخص و شناسایی بی‌طرفانه حق، بیان شده است (۱۶). با وجود اینکه از دادرسی منصفانه در متون و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای تحت عنوان حقی از حقوق بنیادین بشر بسیار نامبرده شده، اما در اسناد مذکور

مسکن و بهداشت را مطرح می‌کنند و گروه‌های مهاجر (اتباع برخی دولت‌های مرجع، مهاجران قانونی، مهاجران غیر مجاز) ممکن است به میزان متفاوتی از این خدمات بهره‌مند شوند.

۲-۶. اعمال خشونت از طریق بازداشت زنان پناهجو در کشور مقصد: بازداشت از جمله اولین مشکلات پناهندگان در هنگام ورود به کشور پذیرنده است. در مورد بازداشت پناهندگان دو نکته اساسی قابل ذکر است: اول اینکه این بازداشت‌ها غالباً در کشورهای اروپایی و در مقابل موجب پناهندگی از کشورهای آسیایی و آفریقایی صورت می‌گیرد؛ دوم اینکه انگیزه‌های مربوط به بازداشت پناهندگان و آوارگان گرچه بسیار پیچیده است، ولی شاید بتوان عمده‌تاً آن‌ها را در دو دسته جای داد: اول آنچه که در عمل وجود دارد، آوارگان صرفاً به خاطر اینکه مهاجران غیر قانونی شناخته می‌شوند، برای دوره طولانی در بازداشت به سر می‌برند؛ دوم آنچه مربوط به سیاست دولت‌ها است که بازداشت موقت را به عنوان یک روش کلی و آشکار برای بازداشتن پناهندگان احتمالی آینده از هجوم به کشورشان تلقی می‌کنند. بنابراین یکی از مشکلاتی که اکثر موارد زنان پناهجوی و پناهنده در بدو ورودشان به کشور میزبان با آن مواجه می‌شوند، مسأله بازداشت آن‌ها توسط مقامات کشور مقصد و میزبان است. این بازداشت‌ها معمولاً طولانی‌مدت، بدو طی مراحل قانونی و به صورت دسته جمعی می‌باشد. بازداشت زنان پناهجو معمولاً به این دلیل صورت می‌گیرد که چون ورود تعداد زیاد پناهجویان، فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر کشور میزبان وارد می‌کند، لذا این دولت‌ها از این طریق درصدد هستند تا از هجوم بیشتر پناهجویان به خاک خود جلوگیری و یا آن‌ها را از ادامه ماندن در آنجا منصرف نمایند.

دلیل دیگر بازداشت زنان پناهجو این است که دولت‌ها با توسط به چنین اقدامی می‌خواهند این افراد را در شرایط سخت زندگی قرار داده تا اثبات شود که انگیزه آن‌ها از ورود به خاک این دولت‌ها تنها بهبود شرایط زندگی وضع اقتصادی بهتر نبوده، بلکه به طور واقعی حمایت دولت متبوع خود را از دست داده‌اند، البته گاهی این بازداشت‌ها برای حمایت از

زنان می‌شود، زیرا بسیاری از مهاجران به جرم‌های عادی متهم هستند. از سوی دیگر ممکن است مهاجران هنگامی که درگیر رسیدگی‌های کیفری‌اند، در شرایط فرهنگی مساعدی قرار نداشته باشند. از این رو اطلاع‌دادن به مأموران کنسولی و دسترسی به آنان به موجب کنوانسیون وین، حق افراد است که امکان دارد به صورت پشتیبانی دیپلماتیک توسط دولت‌ها جلوه‌گر شود. دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه آمریکایی حقوق بشر نیز دستیابی به مأموران کنسولی را یکی از حقوق بشر دانسته است و نقض آن را محکوم کرده است.^۸

۲-۵. اعمال خشونت از طریق نقض حق برخورداری از سلامت و مسکن: برخی دیگر از حقوق نقض‌شده از زنان پناهجو که مصداقی از خشونت علیه زنان نیز تلقی می‌شود، نقض حق بهداشت و درمان آن‌ها است که به این موارد در ادامه اشاره خواهیم کرد. اسناد عادی و عمومی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حق برخورداری از سلامت و حق داشتن مسکن پشتیبانی می‌کند، اما در شرایط حاضر استثناکردن زنان مهاجر یا دستکم برخی از گروه‌های مهاجر همچون مهاجران غیر مجاز و موقت رویه‌ای جاری در کشورهای میزبان است. در مورد دسترسی به مسکن مناسب، زنان مهاجر غیر مجاز از محروم‌ترین افراد هستند و ممکن است در معرض اقدام‌های اجرائی خشن (برای مثال از دست‌دادن قهرآمیز محل سکونت) قرار گیرند، به گونه‌ای که در مواردی حتی حقوق مطلق و نامشروطی همچون حق زندگی و امنیت جسمی آنان نیز نقض شود. بنابراین یکی از حقوقی که به آسانی از آن تخلف می‌شود حق برخورداری از خدمات بهداشتی و سلامت است. این حق، بخشی اساسی از حقوق بشر و زندگی همراه با منزلت است، اما زنان مهاجر و به ویژه مهاجران غیر مجاز بیشتر اوقات در برخورداری از مراقبت پزشکی با مشکلاتی رو به رو می‌شوند. این امر حتی در مواردی که قوانین داخلی این حق را به رسمیت شناخته است، فراوان دیده می‌شود. انکار دسترسی به خدمات پزشکی اولیه نیز می‌تواند این‌گونه حقوق بنیادین را مطرح کند. کنوانسیون‌های جهانی و منطقه‌ای مربوط به کارگران مهاجر مسائل مربوط به

جنسی و مبتنی بر جنسیت نسبت به پناهندگان، بازگشت‌کنندگان و افراد آواره داخلی «ارتکاب، مبادرت به ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هر عملی با بُعد جنسیتی که به آزار جنسی، روحی و احساسی منجر شود یا احتمال چنین نتیجه‌ای متصور باشد، در زمره تعریف این خشونت‌ها قرار می‌گیرد. از نظر محل وقوع این خشونت‌ها، بین محل عمومی یا خصوصی هیچ تفاوتی وجود ندارد» (۱۹).

بر اساس تعاریف ارائه‌شده، روشن است که منظور از این خشونت‌ها بسیار فراتر از تجاوز یا تعرض‌های جنسی است. لازم به یادآوری است مطابق نتیجه سالانه کمیته اجرایی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان که در اکتبر سال ۱۹۹۳ ارائه شد، این خشونت‌ها از مصادیق نقض فاحش حقوق بشر و همچنین نقض حقوق بشردوستانه در زمان مخاصمات مسلحانه داخلی است. این در حالی است که اگرچه تجاوز جنسی به موجب اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی سابق، رواندا، سیرالئون و دیوان کیفری بین‌المللی، نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، عرف‌های جنگ و جنایت علیه بشریت شناخته شده است، اما خشونت جنسی صرفاً به موجب ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به عنوان جنایت جنگی جرم‌انگاری شده است (۲۰). لازم به ذکر است اگرچه اساسنامه‌های دو دادگاه کیفری یوگوسلاوی سابق و رواندا به طور صریح به جنایت خشونت‌های جنسی اشاره نکردند، اما تأثیر به سزایی در افزایش حساسیت و حمایت نسبت به قربانیان خشونت‌های جنسی و حصول پیشرفت‌هایی در این زمینه داشتند. بنابراین در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورخ ۱۹۹۸ به طور صریح برخی از این جنایات از جمله تجاوز به عنف، بردگی جنسی، حاملگی اجباری، فحش‌های اجباری، عقیم‌سازی اجباری و سایر اشکال خشونت‌های جنسی تحت شمول حقوق بین‌الملل کیفری قرار گرفت و در این سند، این جنایات، هم جنایت علیه بشریت و هم جنایت جنگی تلقی شده‌اند (۲۱).

خشونت‌های مبتنی بر جنسیت فراتر از خشونت‌هایی نظیر تجاوز هستند. طبق تحقیقات صورت‌گرفته، شایع‌ترین انواع خشونت‌های مبتنی بر جنسیت عبارتند از:

بهداشت عمومی کشور میزبان و جلوگیری از سرایت بیماری‌های مسری به شهروندان آن‌ها ضروری می‌باشد، ولی در هر صورت این امر نمی‌تواند توجیهی برای بازداشت‌های طولانی‌مدت باشد.

این نکته را نیز باید متذکر شد که محصورکردن زنان پناهجو در اردوگاه‌ها و مکان‌های خاص و جلوگیری از رفت و آمد آن‌ها در خارج از این مکان‌ها نیز همان وضعیت بازداشت را دارا است، مخصوصاً که ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق عبور و مرور هر کس در داخل هر کشوری و خروج یا بازگشت به کشور خود را به عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخته است. با این حال چون ورود پناهجویان، مخصوصاً در حالت جمعیت‌های انبوه و گروهی ممکن است خطراتی برای بهداشت، سلامتی و نظم عمومی کشور میزبان داشته باشد و نیز به علت اینکه برای تعیین وضعیت پناهندگی و صدور اسناد هویت برای تک‌تک آن‌ها، معمولاً مدتی به طول می‌انجامد، لذا دولت‌ها اغلب، پناهجویان را در محل ویژه‌ای نگه داشته و رفت و آمد آن‌ها را به خارج ممنوع یا بسیار محدود می‌کنند.

۲-۷. اعمال خشونت از طریق خشونت جنسی علیه

زنان پناهجو در کشور مقصد: مطابق ماده اول اعلامیه محو انواع خشونت علیه زنان^۹ «هر عمل خشونت‌آمیز، از جمله تهدید، اعمال مشابه اجبار و محروم‌کردن مستبدانه زنان از آزادی که در منظر عموم یا خلوت زندگی خصوصی که بر اساس جنس انجام گردد و منجر به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی یا روانی زنان گردد یا احتمال این نتیجه‌ها وجود داشته باشد، خشونت جنسی یا مبتنی بر جنسیت محسوب می‌گردد.»^{۱۰} روشن است که پیامدها و آسیب‌های این اعمال بسیار زیاد خواهد بود، از جمله انتقال بیماری‌های مقاربتی نظیر ویروس ایدز، خطر بارداری اجباری و زود هنگام، افسردگی، طردشدن از اجتماع و خانواده یا در مواردی خطر مرگ توسط خانواده به عنوان قتل ناموسی یا ازدواج با متجاوز. طبق تعریف ارائه‌شده توسط کمیساریای سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در راهنمای پیشگیری و پاسخ به خشونت‌های

پناهجو هستند، با آزارهایی که به دلیل جنس و جنیست به طور خاص برای آنان رخ می‌دهد، مانند خشونت‌های جنسی، خشونت‌های خانگی و قاچاق و بهره‌کشی جنسی در کشور مقصد رو به رو می‌شوند (۲۲).

نتیجه‌گیری

آنچه که یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد، این است که علیرغم تصویب و وضع قوانین مختلف در حوزه حقوق زنان، صیانت از حقوق زنان و جلوگیری از نقض حقوق زنان و مخصوصاً حقوق زنان پناهجو که در کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱، کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، کنفرانس پکن ۱۹۹۵، اعلامیه حقوق بشر اسلامی در مورد پناهندگی ۱۹۹۰، کنفرانس کپنهاک ۱۹۸۰، کنفرانس ناپروبی ۱۹۸۵، کنفرانس مکزیکوسیتی ۱۹۷۵ و... بازتاب داشته است، آنچه در که در عرصه عمل و اجرا در سال‌های اخیر در کشورهای مقصد قابل رؤیت است، نشانگر نقض و عدم کفایت این اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه حمایت از زنان پناهجو و جلوگیری از خشونت علیه آن‌ها است. آمارهای انتشاریافته توسط مجامع بین‌المللی در خصوص نقض حق دادرسی عادلانه، نقض حق داشتن خانواده زنان پناهجو، نقض مشارکت و فعالیت سیاسی برای پناهجویان، نقض حق اشتغال و آموزش زنان پناهجو، نقض حق برخورداری از سلامت و مسکن و بهداشت و درمان زنان پناهجو، اعمال تبعیض میان شهروندان و زنان پناهجو، نقض حق مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان پناهجو و... انتشار می‌یابد، مؤید این مطلب است که وجود انبوه قوانین و مقرراتی که وجود دارد، نتوانسته آنطور که باید و شاید یاری‌رسان زنان پناهجو در کشورهای مقصد باشد.

البته نباید از شمول دایره انصاف خارج شد و باید بیان کرد که وجود این قوانین تا حدود زیادی بازدارنده بوده و توانسته توجه جهانیان را به حقوق پناهجویان و زنان پناهجو جلب کرده و حمایت‌های قانونی و الزاماتی را برای دولت مقصد ایجاد کند که به نفع زنان پناهجو بوده است.

۱- خشونت‌های جنسی؛ ۲- خشونت‌های جسمی؛ ۳- خشونت‌های روانی و احساسی؛ ۴- اعمال سنت‌های مضر، مانند قطع اندام جنسی زنان؛ ۵- خشونت‌های اقتصادی - اجتماعی، مانند جلوگیری از تحصیل دختران، خشونت‌های مربوط به مهریه و جهیزیه، محدودیت شدید امکانات معیشتی و منع رفت و آمد. بنابراین طبق این دسته‌بندی کلیه اعمال دارای هر درجه‌ای از خشونت، هرگونه تبعیض نسبت به زنان و دختران نظیر عدم دسترسی به امکان تحصیل، خوراک و امکانات بهداشتی برابر، قطع اندام جنسی زنان، عدم فعالیت مطابق حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها که از سوی هر یک از اعضای خانواده یا هرف ردی که نسبت به آنان از قدرت و اختیار برخوردار است، دهد، شامل خشونت‌های مبتنی بر جنسیت می‌شود. از آنجایی که در جریان مخاصمات مسلحانه معمولاً ساختار اجتماعی و خانواده از هم می‌پاشد، کودکان و زنان به مراتب بیشتر با خطر قرارگرفتن در معرض خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت هنگام مبارزه، فرار و جستجوی پناهگاه رو به رو می‌گردند. به همین جهت در مواد ۱۰ و ۱۱ مصوب سال ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد با موضوع زنان، صلح و امنیت مصوب سال ۲۰۰۰ بر لزوم حمایت همه طرف‌های مخاصمات مسلحانه از زنان و دختران در برابر همه اشکال خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت و همچنین مسئولیت دولت‌ها برای پایان دادن به معافیت از مجازات برای ارتکاب جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی شامل خشونت‌های جنسی و همه اشکال خشونت علیه زنان و دختران تأکید شده است. جدا شدن کودکان از خانواده‌ها، جنگیدن مردان و تحمیل بارمسئولیت محافظت و تأمین معیشت اعضای خانواده بر دوش زنان، از دیگر عواملی است که موجب تشدید وضعیت خطر برای این افراد می‌گردد.

در کمپ‌های پناهندگی نیز نحوه دسترسی به کمک‌ها و خدمات اجتماعی ضروری یا حتی ساختمان و ساختار کمپ‌ها، تأثیر مستقیمی در آسیب‌پذیری زنها دارد. بنابراین، زنان پناهنده و پناهجو علاوه بر اینکه در کشور مبدأ و مسیر پناهندگی متحمل سختی و مشکلاتی همانند مشکلات مردان

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

پی‌نوشت

۱- کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ مشتمل بر یک مقدمه و ۴۶ ماده و ۱ الحاقیه و ۱ ضمیمه و پروتکل مربوط آن مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ مشتمل بر ۱ مقدمه و ۱۱ ماده مشروط به اینکه: ۱- تمام مواردی که به موجب این کنوانسیون پناهندگان مشمول مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع یک دولت خارجی شده باشند، دولت ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که پناهندگان را از مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع دولی که با آنان موافقت‌نامه‌های ناحیه‌ای و اقامت و گمرکی و اقتصادی و سیاسی دارد، بهره‌مند نسازد؛ ۲- دولت ایران مقررات مواد ۱۷، ۲۳، ۲۴ و ۲۶ را صرفاً به صورت توصیه تلقی می‌نماید، تصویب و اجازه مبادله اسناد تصویب آن داده می‌شود. قانون فوق مشتمل بر یک ماده و متن کنوانسیون ضمیمه و پروتکل آن پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۵۴/۱۰/۱۷ در جلسه روز سه‌شنبه بیست‌وپنجم خردادماه دوهزار و پانصد و سی‌وپنج شاهنشاهی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. رییس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی.

2- Article 12: Every man shall have the right, within the framework of the Shari'ah, to free movement and to select his place of residence whether within or outside his country and if persecuted, is entitled to seek asylum in another country. The country of refuge shall be obliged to provide protection to the asylum-seeker until his safety has been attained, unless asylum is motivated by committing an act regarded by the Shari'ah as a crime.

اما رویکرد انتقادی ریشه در این دارد که: اولاً اقداماتی که تاکنون انجام شده با نتایج حاصله انطباق کامل ندارد و رویدادهایی که رخ داده است، بیانگر این است که قوانین و مقرراتی که تاکنون تصویب و اجرا شده است، نتوانسته آنطور که باید و شاید بازدارنده بوده و انتظارات را برآورده کند، لذا نیازمند بازبینی و تکامل است؛ ثانیاً قوانین و مقررات مذکور اکثراً متعلق به دهه‌های پیشین بوده و قابلیت تطبیق با معضلات روز زنان پناهجو را ندارد، از جمله کنوانسیون پناهندگان که قریب به هفت دهه از آن می‌گذرد؛ ثالثاً فقدان ضمانت اجرایی دقیق و صرف تصویب مقرر و قانون، تاکنون نتوانسته است آنطور که باید و شاید دولت‌های مقصد را مکلف و موظف به رعایت و حفظ و صیانت از حقوق زنان پناهجو نماید و ضرورت دارد که برای دولت‌هایی که مقصد پناهجویان زن هستند، ضمانت اجرایی وضع گردد که جنبه الزامی و اجرایی داشته باشد و در صورت اتخاذ راهکارهای خشونت‌آمیز علیه زنان پناهجو، بتوان با استفاده از آن ضمانت اجراها دولت‌های میزبان و مقصد را به مدار قانونی بازگرداند و به نوعی از ادامه رفتار خشونت‌آمیز علیه زنان پناهجو بازداشت.

مشارکت نویسندگان

ابراهیم اصفهانی: نگارش مقاله، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، گردآوری منابع.

فرهنگ فقیه لاریجانی و مریم افشاری: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

9. Declaration on the Elimination of Violence against Women, 1993.

10. Article 1: For the purposes of this Declaration, the term "violence against women" means any act of gender-based violence that results in, or is likely to result in, physical, sexual or psychological harm or suffering to women, including threats of such acts, coercion or arbitrary deprivation of liberty, whether occurring in public or in private life.

۳- این منشور از زمان اجرایی‌شدن پیمان لیسبون به صورت قانونی به رسمیت شناخته شده و الزام‌آور اعلام شد و بر اساس ماده ۱۹ معاهده اتحادیه اروپا، حقوق مندرج در آن باید در سطح ملی توسط دولت‌های عضو به گونه مؤثری رعایت شود.

۴- این ماده مبنای اصلی مشروعیت تقاضای پناهندگی را در نظام اتحادیه اروپا در کنار کنوانسیون ۱۹۵۱ تشکیل می‌دهد.

5- Wage-earning employment 1. The Contracting State shall accord to refugees lawfully staying in their territory the most favourable treatment accorded to nationals of a foreign country in the same circumstances, as regards the right to engage in wageearning employment. 2. In any case, restrictive measures imposed on aliens or the employment of aliens for the protection of the national labour market shall not be applied to a refugee who was already exempt from them at the date of entry into force of this Convention for the Contracting State concerned, or who fulfils one of the following conditions: (a) He has completed three years' residence in the country; (b) He has a spouse possessing the nationality of the country of residence. A refugee may not invoke the benefits of this provision if he has abandoned his spouse; (c) He has one or more children possessing the nationality of the country of residence. 3. The Contracting States shall give sympathetic consideration to assimilating the rights of all refugees with regard to wage-earning employment to those of nationals and in particular of those refugees who have entered their territory pursuant to programmes of labour recruitment or under immigration schemes.

6. African Charter, Art.23(2).

7. Protocol No.4 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, E.T.S. No.46, entered into force 2 May, 1968.

8. International Court of Justice, La Grand Case (Germany v. United States), 1999 I.C.J. 103 (3 March), Judgment of 27 June 2001; Inter-Am. Ct. H.R., The Right to Information on Consular Assistance in the Framework of the Guarantee of the Due Process of Law, Advisory Opinion OC-16/99 (ser. A) No.16 (1999).

References

1. Ebadi SH. History of Human Rights Documents in Iran. Tehran: Roshangaran Publishing House; 2006. p.167. [Persian]
2. Arin A, Mir Saeed Ghazi A. Translation of the basic work of action and the Beijing Declaration. Tehran: Office of Women's Affairs of the Presidential Institution; 1996. p.76. [Persian]
3. United Nations. Beijing Declaration and Plat Form For Action, with the Beijing+5, Political Declaration and Outcome. New York; 2001.
4. Naghavi SMA. Human Rights in the European Union; Lack of a Comprehensive and Coherent Regime. Iranian Research Letter of International Politics. 2014; 2(3): 24-45. [Persian]
5. Hurwitz A. The Collective Responsibility of States to Protect Refugees. Oxford: Oxford University Press; 2009.
6. Goodwin-Gill GS, Mc Adams J. The Refugee in International Law. Oxford: Oxford University Press; 2007.
7. Kadkhodaei AA, Rostami S. Legal Challenges of Solitary and Joint Commitments of the European Union Member States toward the Refugees and Immigrants. Public Law Studies Quarterly. 2019; 49(1): 23-38. [Persian]
8. Casteloo C. Courting Access to Asylum in Europe: Recent Supranational Jurisprudence Explored. Human Rights Law Reviews. 2012; 12(2): 287-339.
9. Bakowski P. EU Migratory Challenges Possible Responses to the Refugee Crisis. European Parliamentary Research Service, PE 568; 2015.
10. Vaezi M. Collective Identity and European Convergence. Tehran: published by the Strategic Research Center of Expediency Identification Forum; 2013. p.41. [Persian]
11. Safaei M. Children's work. Tehran: Publications of the Institute of Labor and Social Security; 2007. [Persian]
12. Tiburcio C. The Human Rights of Aliens under International and Comparative Law. Boston & London: Martinus Nijhoff Publications; 2001.
13. Weissbrodt D. The Human Rights of Non-Citizens. Oxford: Oxford University Press; 2008.
14. Cholewinski R. Migrants Workers in International Human Rights Law "Their Protection in Countries of Employment". Oxford: Oxford University Press; 1997. p.375-376.
15. McBride J. Access to Justice for Migrants and Asylum-Seekers in Europe. Strasbourg: European Committee on Legal Co-Operation (CDCJ); 2009.
16. Raei M, Mousavi K. The Plaintiff and Defendant Rights from the Point of View of Human Rights Stressing the European Court of Human Rights' Precedents. International Law Review. 2017; 33(55): 185-210. [Persian]
17. Omid J, Nikouei S. Definition and Principles of the Criminal Publici Trail. Modarres Human Sciences. 2008; 12(3): 23-37. [Persian]
18. Henckaerts JM. Mass Expulsion in Modern International Law and Practice. London: Martinus Nijhoff Publications; 1995. p.138.
19. UNHCR. Sexual and Gender-Based Violence against Refugees, Returnees and Internally Displaced Persons. Guideline for Prevention and Responses; 2003. p.10.
20. Moazenzadegan HA, Heidari MA, Nikoomanzari A. Armed Hostilities and Violence against Women and Children from International Regulations Point of View. Journal of Woman Cultural Psychology. 2013; 5(17): 9-20. [Persian]
21. Khak R. Criminalizing of Sexual Violence in International Criminal Law. International Law Review. 2009; 25(39): 101-146. [Persian]
22. Dashab M, Mokhtarzadeh S. Protecting Women from Sexual and Gender-based Violence in European Refugee Crisis Focusing on UNHCR Approach. Public Law Research. 2019; 20(62): 71-99. [Persian]